



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی

پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین  
**رابطه نجات و حقیقت در اسلام و مسیحیت**

زهره سعیدی

استاد راهنما  
جناب آقای دکتر پورحسین  
استاد مشاور  
جناب آقای دکتر کلباسی

خرداد ۱۳۸۲

**فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه‌ها**  
**کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی**

عنوان: رابطه نجات و حقیقت در مسیحیت و اسلام		
نویسنده/ محقق: زهره سعیدی		
مترجم: ---		
استاد راهنما: آقای دکتر پورحسن	استاد مشاور/ استاد داور: آقای دکتر کلباسی/ آقای دکتر نصری	
کتابنامه:	واژه نامه:	
نوع پایان نامه: <input checked="" type="checkbox"/> بنیادی <input type="checkbox"/> توسعه‌ای <input type="checkbox"/> کاربردی		
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۱۳۸۴	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبایی	دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی
تعداد صفحات: ۱۲۸	گروه آموزشی: فلسفه	
کلید واژه‌ها به زبان فارسی:		
نجات، حقیقت، انحصارگرایی، شمول‌گرایی، کثرت‌گرایی، کثرت‌گرایی حقیقت‌شناختی، کثرت‌گرایی نجات‌شناختی		
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی:		
Salvation, Truth, Exclusivism, Inclusivism, Pluralism, Truth pluralism, Salvation pluralism		

## چکیده

**الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):** دو آموزه مهم و محوری «نجات» و «حقیقت»، پرسش‌هایی اساسی، مخاطره‌آمیز و مجادله‌برانگیز فراروی اندیشمندان نهاده و ایشان را به سوی تدوین و تألیف کتب و مقالات پرشماری سوق داده است. لکن تفکیک میان آن دو به‌درستی صورت نگرفته است و گاهی میان کثرت‌گرایی حقیقت‌شناختی و کثرت‌گرایی نجات‌شناختی خلط شده است. لذا این رساله ضمن روشن ساختن ابعاد مختلف کثرت‌گرایی در صدد تفکیک نهادن میان نجات و حقیقت است.

**ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها:** آیا می‌توان تعریفی عام از نجات ارائه داد؟ آیا تمام ادیان در تلقی از نجات همسو هستند؟ آیا تنها تعداد معدودی از انسان‌ها به نجات دست می‌یابند یا رستگاری، اکثر آدمیان را در بر می‌گیرد؟ آیا می‌توان تعریفی فراگیر از حق ارائه داد و آن را معیاری برای سنجش ادیان قرار داد؟ آیا عقل‌ها و اندیشه‌ها می‌توانند در ارائه میزان برای تشخیص حق به توافق همگانی دست یابند؟ آیا میان نجات و حقانیت ملازمتی وجود دارد یا هر یک پارادایمی مستقل هستند؟ این رساله در صدد پاسخگویی به این پرسش و ده‌ها پرسش دیگر است.

**پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روش‌های نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:** ۱. تعریف و تحدید مفاهیم ۲. مقایسه دو فرهنگ اسلامی و مسیحی ۳. روشن ساختن ابعاد مختلف موضوع با تفکیک میان مفاهیم محوری.

**ت. یافته‌های تحقیق:** اغلب اندیشمندان، پلورالیزم را در چارچوب نجات مطرح کرده‌اند؛ موضوعی که بیشتر ناظر به امر واقع است و در واقع امری اخلاقی است. در این میان مسیحیان، نجات را بیشتر به صورت موضوعی مستقل مطرح کرده‌اند و مسلمانان آن را بیشتر تابعی از حقیقت دانسته‌اند.

### ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

۱. با توجه به تعریف‌های متفاوت و متنوع نجات در ادیان مختلف، ارائه تعریفی عام و فراگیر از نجات که مورد قبول تمام دینداران باشد ممکن نخواهد بود. به‌ویژه در مورد اسلام و مسیحیت باید گفت که تفاوتی ریشه‌ای میان نجات مسیحی و نجات اسلامی وجود دارد.

۲. تبیین نظریه‌های صدق و بیان انواع حق، ما را به سمت تشکیکی و ذومراتب دانستن حقیقت سوق می‌دهد.

۳. پلورالیزم از منظر هیک، در صدد عام کردن نجات تا حد بی‌معنا انگاری آن در الهیات مسیحی و حتی تدوین الهیاتی جدید در مسیحیت است. اما در اسلام، از همان ابتدا نجات وسعت دارد لکن با این قید که هر قدر دینی از حقایق بیشتر و کامل‌تری برخوردار باشد به همان نسبت زمینه کامل‌تری از نجات را برای پیروانش فراهم می‌کند.

۴. می‌توان گفت اسلام به معنای عام (عبودیت و تسلیم در برابر خدا) لب لباب ادیان و جان و گوهر وجودی هر یک است و تمامی ادیان، مراتب و تجلیات آن به شمار می‌روند. لذا رو به یک حقیقت دارند. لکن هر کدام تشخیص و هویت خود را نیز دارند و اختلاف آنها به مراتب تجلی الهی از یک سو و شرایط زمانی و تغییر و دگرگونی‌های تاریخی، فرهنگی از دیگر سو مربوط می‌شود.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم را بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم، گواهی می‌نمایم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

## چکیده

پلورالیزم دینی موضوعی است با اهمیت و پرابهام که توسط اندیشمندان و صاحب‌نظران بسیاری مورد تحقیق، ارزیابی و موشکافی قرار گرفته و کتاب‌ها و مقالات بسیاری در مورد آن تدوین و تألیف شده است. با این حال، پژوهش‌های تطبیقی، با استفاده از منابع دست اول بر روشنگری آن می‌افزاید، کاری که این رساله عهده‌دار آن شده است.

رساله فوق به شیوه‌ای انتقادی، دو آموزه مهم و محوری یعنی «نجات» و «حقانیت» و ارتباط میان آنها را مورد تحقیق و ارزیابی قرار می‌دهد و ضمن اینکه به مقایسه تطبیقی تفکر مسیحی و تفکر اسلامی در رویکردشان به کثرت‌گرایی نجات‌شناختی و کثرت‌گرایی حقیقت‌شناختی می‌پردازد؛ در صدد دریافتن ابعاد مختلف کثرت‌گرایی هم هست. این رساله سعی دارد روشن سازد که برخی از وجوه کثرت‌گرایی دینی، نه با مسیحیت سازگار است و نه با اسلام، لکن با اینکه کثرت‌گرایی دینی نخست در الهیات مسیحی مطرح شد، اما اسلام بدان نزدیک‌تر، و با برخی وجوه آن سازگارتر است. حال آنکه سنخیتی میان آن با مسیحیت سنتی نمی‌توان یافت.

از آنجایی که کثرت‌گرایی دینی، با مفاهیم حقیقت، نجات، معرفت، انحصارگرایی و شمول‌گرایی ملازم دارد، لذا این رساله می‌کوشد تا توصیفی فشرده و جامع از این مفاهیم به دست دهد.

**واژگان کلیدی:** نجات، حقیقت، انحصارگرایی، شمول‌گرایی، کثرت‌گرایی، کثرت‌گرایی

حقیقت‌شناختی، کثرت‌گرایی نجات‌شناختی.

## پیش‌گفتار

تعامل همواره انسان با دین و تأثیر غیرقابل اجتناب آن بر تمام عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی انسان، دین را از مهم‌ترین مسائل بشر قرار داده است. لذا دین از سویی محوری‌ترین قاعده حیات فردی و اجتماعی بشر را تشکیل داده و از دیگر سو، سؤالات، پیچیدگی‌ها و ابهاماتی را فراهم کرده است. تنوع و تکثر فرهنگ‌ها، رویکردهای متفاوتی به دین، پدیدار ساخته است.

با این حال دین در اقصا نقاط جهان یادآور امر متعالی و نظریه ماوراء طبیعت است و شاید ارتباط میان نگاه واحد به دین و رویکردهای متعدد به آن، از مهم‌ترین مسائل دینی در عصر کنونی باشد. مسئله‌ای که پرسش‌های بسیاری برانگیخته است، پرسش از وحدت و کثرت ادیان، و اینکه بالاخره وحدت ادیان درست است یا کثرت ادیان؟ آیا راه حل، صرفاً انتخاب یکی و طرد دیگری است؟ آیا نمی‌توان بی‌آنکه یکی را پذیرفت و دیگری را طرد کرد، هر دو را مکمل هم دانست؟

معرفت‌شناسی دینی، در جهت حل مسائل ایجاد شده، به تبیین نظریه‌هایی از قبیل انحصارگرایی، شمول‌گرایی و تکثرگرایی پرداخته است. در واقع می‌توان به طیف وسیعی اشاره کرد که با انحصارگرایی شروع می‌شود، به شمول‌گرایی می‌رسد و با گذر از شمول‌گرایی، به پلورالیزم می‌رسد. موضوعی که مجادلات و مباحثات کلامی - فلسفی فراوانی برانگیخته است.

پلورالیزم دینی مبحثی نو در رشته فلسفه دین است که در بستر فکری - فرهنگی مغرب زمین رشد و نمو یافته و در سال‌های اخیر وارد فرهنگ اسلامی شده است.

دلایل صاحب این قلم برای بررسی و تحقیق در مورد پلورالیزم نجات‌شناختی و پلورالیزم حقیقت‌شناختی، نخست امری شخصی است. دغدغه مطالعه و تحقیق در مورد ادیان مختلف برای انتخاب دین بهتر، همواره با من بوده است. لکن این پیش‌فرض که دین فعلی‌ام بهتر و کامل‌تر است مرا همراهی می‌کرد و صرفاً به دنبال اثبات آن برای خویشتم بودم.

همچنین پرسش از «حقیقت» را پرسشی جدایی‌ناپذیر از خویش می‌یافتم و همواره در جستجوی یافتن پاسخی رضایت‌بخش بودم.

در دوره‌ای از زندگی، نگرش من به بشریت، غلبهٔ ظلم و گناه و جنایت در جهان بود، لکن چیزی نگذشت که جایش را به ایدهٔ اقلی بودن ظلم و تبعیض و شرارت در جهان و اکثری بودن زندگی عادی، سلامت و اخلاقی مردم دنیا داد.

در این راستا مطالعهٔ بیشتر را هم خود قرار دادم تا به نتایجی رضایت‌بخش و مدلل دست یابم. لذا انتخاب موضوع رسالهٔ فوق را گامی در این جهت یافتم.

دوم آنکه با توجه به تأثیرات غیرقابل انکار پلورالیزم دینی بر روی اندیشمند و غیراندیشمند، اعم از متدین و غیرمتدین، بررسی جوانب مختلف آن از حیث فلسفی و کلامی، ضروری به نظر می‌رسد، تا هم وجوه مثبت و سازندهٔ آن و هم ابعاد منفی و ضعف آن، با دلیل و برهان روشن شود، تا چراغ راهی باشد برای جویندگان حقیقت.

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
<b>بخش اول: بررسی مفهومی نجات، حقیقت و پلورالیزم</b>	<b>۴</b>
فصل اول: نجات	۵
۱. نجات هندویی	۵
۲. نجات بودایی	۶
۳. نجات یهودی	۷
۴. نجات تلمودی	۸
۵. نجات مسیحی	۸
۶. نجات اسلامی	۱۱
فصل دوم: حقیقت	۱۴
۱. انواع حق	۱۴
۲. نظریه‌های صدق	۱۶
۳. انواع یقین	۱۹
فصل سوم: پلورالیزم	۲۲
۱. معنای لغوی و اصطلاحی پلورالیزم	۲۲
۲. پلورالیزم دینی	۲۲
۳. رویکردها به تنوع ادیان	۲۳
۴. انواع کثرت‌گرایی دینی	۳۰
<b>بخش دوم: حقانیت و نجات و ارتباط میان آنها</b>	<b>۳۳</b>
فصل اول: پلورالیزم حقیقت‌شناختی	۳۴
۱. ابتدای حقیقت بر تجربه دینی	۳۴
۲. وصف‌ناپذیری و فرامقوله بودن حقیقت مطلق	۳۴
۳. نفی مطلق دیدن دین خود	۳۵
۴. رفع تعارض ادیان	۳۶
۵. پیچیدگی حق و قضاوت منصفانه	۳۷
فصل دوم: پلورالیزم نجات‌شناختی	۴۰
۱. انقلاب کپرنیکی در الهیات	۴۰
۲. راه‌های متعدد به سوی نجات	۴۰
۳. اهمیت ثانوی باورهای دینی	۴۱
فصل سوم: رابطه نجات و حقانیت	۴۲
فصل چهارم: مبانی پذیرش پلورالیزم	۴۴
۱. تفسیر و تأویل معنای تجسد و تثلیث سنتی	۴۴
۲. تفسیر و تأویل معنای نجات مسیحی	۴۵
۳. تمایز میان خدای فی‌نفسه و خدای ادیان و تحویل حقایق دینی به حقایق پدیداری	۴۵
۴. تفسیر و تأویل معنای وحی	۴۶



.....	۴۶	۵. اهمیت تجربه دینی .....
.....	۴۷	۶. ارتفاع تعارض ادیان .....
.....	۴۷	۷. تأکید بر قومیت دینی .....
.....	۴۷	۸. تأکید بر قدیس پروری و تحول از خودمحوری به حقیقت محوری .....
.....	۴۸	۹. تأکید بر اصل هدایت عام الهی .....
.....	۴۹	<b>بخش سوم: دیدگاه اندیشمندان غربی و اسلامی در خصوص نجات و حقانیت .....</b>
.....	۵۰	فصل اول: دیدگاه انحصارگرایان غربی .....
.....	۵۰	۱. دیدگاه کارل بارث (۱۹۶۸-۱۸۸۶ م.) .....
.....	۵۲	۲. دیدگاه امیل برونر (۱۹۶۶-۱۸۸۹ م.) .....
.....	۵۴	فصل دوم: دیدگاه شمولگرایان غربی .....
.....	۵۴	۱. دیدگاه کارل رانر .....
.....	۵۵	۲. دیدگاه هانس کونگ .....
.....	۵۸	فصل سوم: دیدگاه کثرتگرایان غربی .....
.....	۵۸	۱. دیدگاه ویلفرد کنتول اسمیت .....
.....	۵۹	۲. دیدگاه جان هیک .....
.....	۶۳	فصل چهارم: دیدگاه متفکران اسلامی .....
.....	۶۳	۱. دیدگاه آیت الله جوادی آملی .....
.....	۶۴	۲. دیدگاه شهید مطهری .....
.....	۶۵	۳. دیدگاه سروش .....
.....	۷۴	<b>بخش چهارم: مقایسه تطبیقی پلورالیزم در تفکر مسیحی و تفکر اسلامی .....</b>
.....	۷۵	فصل اول: مروری گذرا بر تاریخچه مسیحیت .....
.....	۷۵	۱. باورهای اولین مسیحیان .....
.....	۷۵	۲. متون مقدس مسیحی .....
.....	۷۶	۳. گنوسی‌ها و کلمه مجسد .....
.....	۷۷	۴. اریجن و لوگوس .....
.....	۷۸	۵. ایرنئوس و اعتقادنامه حواری .....
.....	۷۹	۶. مسیحیت رسمی .....
.....	۷۹	۷. مونارشیزم .....
.....	۸۰	۸. آریوس .....
.....	۸۰	۹. شورای نقیه و قسطنطنیه .....
.....	۸۱	۱۰. اعتقادنامه کالسدون .....
.....	۸۲	۱۱. اگوستین و دفاع از آموزه نجات .....
.....	۸۴	فصل دوم: پلورالیزم، واکنشی به الهیات پرفراز و نشیب مسیحی .....
.....	۸۵	فصل سوم: پلورالیزم و زبان دین .....
.....	۸۵	۱. دیدگاه‌های پوزیتیویستی (نظریات معیاری زبان علم) .....
.....	۸۵	۲. دیدگاه‌های تحلیلی - کارکردی (معناداری گزاره‌های دینی) .....
.....	۸۶	۳. هیک و زبان دین .....
.....	۸۹	فصل چهارم: پلورالیزم، مسیحیت و تجربه دینی - وحی .....

فصل پنجم: پلورالیزم، مسیحیت و اصل تثلیث و تجسد .....	۹۲
فصل ششم: پلورالیزم، مسیحیت و اصل نجات .....	۹۵
فصل هفتم: پلورالیزم، مسیحیت و حقیقت مطلق .....	۹۸
فصل هشتم: اسلام و مذمت انحصارگرایی .....	۱۰۱
فصل نهم: نگاه اسلام به دیگر ادیان .....	۱۰۵
۱. اطلاق «اسلام» بر تمام ادیان .....	۱۰۵
۲. تأیید پیامبران و کتب آسمانی .....	۱۰۵
۳. تصدیق هدف مشترک، برای تمام پیامبران .....	۱۰۶
۴. تأیید و تصدیق سایر ادیان .....	۱۰۷
۵. تساهل و تسامح دینی .....	۱۰۸
۶. اقلی بودن اهل شقاوت .....	۱۰۸
فصل دهم: اسلام و هبوط انسان .....	۱۱۰
فصل یازدهم: اسلام و تعارض ادیان .....	۱۱۴
فصل دوازدهم: پلورالیزم و اسلام .....	۱۱۷
نتیجه .....	۱۱۹
<b>کتابنامه</b> .....	<b>۱۲۳</b>
فهرست کتابها .....	۱۲۳
فهرست مقالات .....	۱۲۶
فهرست منابع لاتین .....	۱۲۸

فلسفه دین در سال‌های اخیر نسبت به چند دهه گذشته بیشتر مورد توجه واقع شده و دستاوردهای مهم و جدیدی داشته است.

چگونگی تبیین تنوع ادیان از موضوع‌های منازعه‌برانگیز فلسفه دین است که پرسش‌های بی‌شماری فرا روی ما می‌نهد. ارتباطات روبه‌رشد در جهان پیچیده ما و اختلاط فرهنگی جدید که وجه تمایز نیمه دوم قرن بیستم خوانده شده، ادیان را از انزوا درآورده و ارتباط میان آنها را گریزناپذیر ساخته است. تأثیر ادیان بر یکدیگر، شباهت غیرقابل انکار میانشان و در عین حال تفاوت‌های قابل توجه آنها، ذهن هر متفکری را به خود معطوف می‌کند و دو پرسش اساسی فرا روی انسان می‌گذارد: نخست پرسشی وجودشناختی و معرفت‌شناختی از نحوه تلقی پیروان یک دین درباره سایر ادیان؛ دوم پرسشی اخلاقی از نحوه تلقی پیروان یک دین درباره پیروان سایر ادیان.

در پاسخ به این پرسش‌ها، کثرت‌گرایی دینی، نظریه‌ای است معرفت‌شناسانه در تبیین کثرت ادیان و بر آن است که تفاوت‌های میان ادیان و مذاهب که برخاسته از تفاوت‌های فرهنگی و نژادی است، از اهمیت ثانوی برخوردارند. لذا می‌گوید تفاوت‌های دینی را باید همانند تفاوت‌های فرهنگی تحمل کنیم و وجود حق‌های متعدد و راه‌های متکثر به سوی نجات را با روی باز پذیرا شویم.

پلورالیزم، اساساً مسئله‌ای مسیحی است. مسیحیتی که در طول تاریخ همواره انحصارگرا بوده و از این ناحیه بیش از سایر ادیان در معرض آسیب قرار گرفته است. انحصارگرایی مطلق کلیسا در قرون وسطی و به دنبال آن شروع رنسانس و پیشرفت‌های علمی، از طرفی موجب تقابل علم و دین بود و از دیگر سو بحران معنویت را موجب شد. لذا مسیحیت در دوره رنسانس با بحران هویت دینی به طور جدی مواجه گردید.

با ظهور مکاتب فلسفی تجربه‌گرا و فلسفه‌های اگزیستانسیالیسم، پوزیتیویزم منطقی و فلسفه‌های تحلیل زبانی، بحران دینی به اوج خود رسید و بی‌معنائنگاری و اثبات‌ناپذیری گزاره‌های دینی را موجب شد. لکن با کمرنگ شدن اعتماد غرب به پیشرفت‌های علمی در قرن بیستم، زمینه مساعدی در اقبال به

دین به وجود آمده است، لذا توجه به ابعاد مختلف دین در سال‌های اخیر، در حوزه‌های فلسفی غرب شدت یافته است به نحوی که پلورالیزم را می‌توان واکنشی در جهت احیای معنویت به شمار آورد.

با این حال در اثبات انحصارگرایی، همچنان براهینی در کلام جدید تدوین می‌شود. از جمله، تلاش‌های کارل بارث، در مقابل نشانیدن شریعت و تجلی، و کوشش کارل رانر در اعتقاد به مطلق بودن مسیحیت و یگانه راه نجات خواندن آن، که با بیان «مسیحیان بدون عنوان» در واقع رویکرد جدیدی از انحصارگرایی مسیحیت را مطرح ساخته است.

از منظری دیگر شاهد تأثیر برخی حوزه‌های فلسفه سیاسی بر پلورالیزم هستیم. در واقع می‌توان گفت میان پلورالیزم دینی و رشد آن، و لیبرالیزم و سکولاریزم، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. لیبرال‌ها بر اهمیت تساهل، حقوق افراد، و آزادی برای حفظ تنوع و کثرت سبک‌های زندگی تأکید دارند. لذا تسامح نسبت به آرای دینی، مبتنی بر لیبرالیزم سیاسی است و کثرت‌گرایی دینی را می‌توان دیدگاهی دانست که به دنبال مبنای الهیاتی برای این تسامح است.

شاید بتوان گفت که لیبرالیزم غربی، واکنشی در برابر انحصاریت دین بوده است، واکنشی که باعث رشد و تقویت مبانی سکولاریزم در غرب شد. لیبرال‌ها می‌گفتند مردم بر اساس حقوق فردی می‌توانند اعتقادات دینی خاص خود را داشته باشند. به نظر آنها هرگونه تفاوت، از جمله تفاوت دینی باید مجاز شمرده شود مگر آنکه مخل آزادی دیگران باشد. کثرت‌گرایی دینی قدمی فراتر از لیبرال‌نهاد، مدعی می‌شود که حقیقت دینی در سنت‌های دینی مختلف وجود دارد. لذا هیچ سنت دینی نمی‌تواند مدعی معرفت و حق انحصاری بشود.

جان هیک نماینده برجسته این رویکرد است که متأثر از شلایر ماخر (بنیانگذار پروتستان‌تیزم لیبرال) است. شلایر ماخر با بحث در خصوص گوهر دین قصد داشت دین مسیحی را احیا کند. در زمان وی، الهیات طبیعی با ظهور تجربه‌گرایانی چون هیوم به شکست انجامیده بود. فلسفه نقادی کانت هم موجب جدایی حوزه دین از حوزه معرفت نظری شده بود. لذا شلایر ماخر متأثر از نهضت رمانتیزم که پس از کانت روی کار آمده بود قصد احیای دین مسیحی را داشت.

شلایر ماخر با اذعان به برتری مسیحیت نسبت به ادیان دیگر، دین را امری شخصی می‌پنداشت. به نظر وی گوهر دین در روح انسان محو شده در احساس بدون واسطه بی‌نهایت نهفته است. وی کثرت ادیان را نتیجه احساسات و تجربیات دینی متنوع، و در نتیجه، تمام ادیان را دربردارنده حقیقت الهی می‌دانست. هیک در تلقی خود از تجربه دینی و دیدگاهش در خصوص کثرت‌گرایی دینی به نوعی متأثر از شلایر ماخر است.

و اما پلورالیزم در اسلام، پیامد مسائل اجتماعی، سیاسی و ... نیست. در تفکر اسلامی نه تنها میان عقل و دین تعارضی وجود ندارد، بلکه وحدتی نیز میانشان حکمفرما بوده است. در واقع پیشینه این رویکرد به صدر اسلام باز می‌گردد، جایی که قرآن از مسلمانان می‌خواهد که با اهل کتاب با مدارا و مسالمت رفتار کنند و کتاب مقدس و پیامبران‌شان را تأیید کنند.

البته می‌توان تساهل و تسامح دینی را یکی از لوازم پذیرش پلورالیزم دانست اما بین این دو تفاوت ماهوی وجود دارد و به هیچ وجه با هم یکی نیستند. لذا می‌توان انحصارگرا بود و اهل مسالمت با دیگران.

از پلورالیزم تفاسیر مختلفی شده است، بحث‌ها و ابهامات و مجادلات کلامی بسیاری برانگیخته و اهداف متفاوتی از طرح آن صورت گرفته است. بسیاری کسانی که پلورالیزم دینی را بسیار جذاب، مقبول و پذیرفتنی معرفی می‌کنند بی‌آنکه لوازم و تبعات منفی آن را روشن سازند. و فراوان هستند افرادی که با نقدهای تند و تیز، بدون در نظر گرفتن نقاط روشن و کاربردهای مثبت آن، تیشه به ریشه آن می‌زنند.

لکن با توجه به خاستگاه مسیحی پلورالیزم و ورود آن به فرهنگ اسلامی، روشن ساختن وجوه مثبت و سازنده آن و ابعاد منفی و مخرب آن، هم در تفکر اسلامی و هم در تفکر مسیحی ضروری به نظر می‌رسد. لذا این رساله در صدد پژوهشی تطبیقی، در جهت روشن کردن تمام زوایا و ابعاد این رویکرد است.

## بخش اول: بررسی مفهومی نجات، حقیقت و پلورالیزم

بخش نخست شامل سه فصل است که به تبیین و توصیف مفاهیم نجات، حقیقت و پلورالیزم

پرداخته، حدود و ثغور هر یک را مشخص و دیدگاه‌های متفاوت در خصوص آن را بیان می‌کند.

فصل اول به تعریف و شرح «نجات» در پنج دین بزرگ (هندو، بودایی، یهودیت، مسیحیت و

اسلام) می‌پردازد. فصل دوم به موشکافی «حقیقت» در قالب توصیف انواع حق شامل: ۱. حق پایه و حق

مستتج، ۲. حق فی‌نفسه و حق از نظر شناسنده، ۳- حقیقت منطقی و حقیقت دینی؛ و تبیین نظریه‌های

صدق شامل: ۱. نظریه مبنای‌گرایی ۲. نظریه مطابقت و ۳. نظریه انسجام و بیان انواع یقین شامل: ۱. یقین

مدلل ۲. یقین معلل و ۳. یقین شهودی می‌پردازد.

سپس این مفاهیم را با پاسخ به دو پرسش وجود شناختی و اخلاقی در خصوص ادیان به دین و

حقیقت دینی پیوند می‌زند. اهمیت این فصل، دعاوی ادیان بزرگ در اظهار حقیقت معتبر است که در

مقام توصیف «حقیقت مطلق» دعاوی متفاوت و گاه متعارض و به ظاهر غیر قابل جمع می‌کنند.

فصل سوم ضمن تبیین معنای لغوی، اصطلاحی و دینی پلورالیزم، به توصیف رویکردهای

مختلف به تنوع ادیان در قالب: ۱. طبیعت‌گرایی، ۲. وحدت‌گرایی، ۳. انحصارگرایی، ۴. شمول‌گرایی و

۵. کثرت‌گرایی پرداخته، دلایل و نقدهای مرتبط با آن را تبیین می‌کند.

اهمیت این بخش از آن روست که با تعریف، تبیین و تحدید مفاهیم مطرح شده، و با طرح

دیدگاه‌های مختلف مرتبط با موضوع، ما را در فهم و درک بخش‌ها و فصول بعدی یاری می‌کند.

## فصل اول: نجات

### ۱. نجات هندویی

در جامعه هند باستان، چهار طبقه اجتماعی وجود داشته است: ۱- جنگجویان، که قدرت سیاسی را در اختیار داشتند. ۲- روحانیان، که واجد قدرت دینی بودند. ۳- سوداگران، که طبقه سوم جامعه بودند. ۴- کارگران، که بردگان سه طبقه بالاتر به شمار می‌آمدند و از امتیازات اجتماعی و مشارکت کامل در دین و دایی محروم بودند. فروتر از این چهار طبقه، گروهی از بومیان غیرآریایی هندوستان قرار داشتند که نجس‌ها<sup>۱</sup> نامیده می‌شدند و فاقد طبقه به شمار می‌رفتند. مهم آنکه متون مقدس و دایی<sup>۲</sup> با دفاع از این سلسله مراتب اجتماعی، آن را ذاتی خلقت فرض می‌کرد.

هندویزم از طرفی خواستار حفظ این نظام کیهانی و اجتماعی است و از دیگر سو نجات از این نظام را وظیفه‌ای دینی قلمداد می‌کند. تکالیف دینی و اخلاقی برای حفظ این نظام «درمه»<sup>۳</sup> نام داشت و نجات از این نظام کیهانی تحمیل شده «مکشا»<sup>۴</sup> نامیده می‌شد.

مطابق قانون کرمه (به معنای کردار) انسان نتیجه اعمال و رفتار خود را در دوره‌های بازگشت مجدد خود به این جهان می‌بیند. لذا نیکوکاران در بازگشت مجدد به این جهان زندگی مرفه و خوشی خواهند داشت و بدکاران با بدبختی دست به گریبان خواهند بود و چه بسا در قالب حیوانی مجسم خواهند شد. بدین ترتیب اصل کرمه مجموعه‌ای از عمرها را در بر می‌گیرد و به اندیشه تناسخ ختم می‌شود. این چرخه تولد و مرگ‌های مکرر «سمسره»<sup>۵</sup> نامیده می‌شود.

مکشا (نجات از چرخه تولد و مرگ‌های متوالی) از دو طریق به دست می‌آید: ۱- از راه معرفت خود زوال‌ناپذیر و جاودان (آتمن) آن چنان که در فلسفه اوپانیشادها یعنی ودانته<sup>۶</sup> ادعا می‌شود. ۲- از

---

۱. Untouchables

۲. Vedas

۳. Dharm.

۴. Moksha

۵. Samsara

۶. Vedanta

طریق عشق و سرسپردگی به خداوند، آن گونه که در بهگودگیتا<sup>۷</sup> ادعا شده و سنت‌های هندوی ویشنوی<sup>۸</sup> و شیوایی<sup>۹</sup> تجلی آن هستند.

بدین ترتیب نجات‌شناختی هندویی جهانی ورای این جهان را مفروض می‌گیرد و نجات را در گرو دستیابی به حیات آن جهانی می‌داند. (حاجی ابراهیم، ۱۳۸۴، ص. ۶۷-۶۵)

## ۲. نجات بودایی

سیدهارتا گوتاما ملقب به بودا ضمن انکار آیین ودایی و مردود دانستن وجود ذات جاودان و ازلی در درون آدمی (آتمن) آموزه‌هایی چون، تولد دیگر، کرمه و سمسره را پذیرفته و آناتا به معنای بی-خودی را جایگزین آتمن می‌سازد.

وی مدعی شد برای نیل به رستگاری باید تمام امیالی را که باعث دلبستگی به جهان سمسره می‌شود، از جمله میل به برخورداری از یک هویت شخصی ماندگار، سرکوب کرد. نیروانا به معنای خاموش ساختن شعله‌های خواسته‌ها تعبیری است برای چنین نجاتی.

مطابق تحلیل انسان‌شناختی بودایی، انسان، کلی است مرکب از اجزا (بدن، احساسات، افکار، کرمه و بصیرت) که این اجزا با حیات او در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و با مرگ وی متلاشی می‌شوند. لذا در این دیدگاه از «خود جاودانه» پس از مرگ خبری نیست، تولد دوباره بدین معنی است که عناصر و اجزای آدمی مانند شعله‌ای که از فتیله شمعی به شمع دیگر منتقل می‌شود، در زندگی دیگری مجدداً ایجاد می‌شود و نجات از چرخه تولدهای مکرر، فقط با خاموش کردن این شعله (در حالتی موسوم به نیروانا) میسر می‌شود. اما چون مردم نمی‌توانند این شعله را خاموش کنند لذا از یک زندگی به زندگی دیگر منتقل می‌شوند.

---

۷. Bhagavad Gita

۸. Vaisnavite

۹. Saivite



از منظر بودیسم راه دستیابی به نجات تأملی است که به خاموشی تمام دلبستگی‌های انسان به جهان سمسره منجر می‌شود. لذا شخص بصیرت‌یافته می‌تواند پیوندش را با جسم قطع کرده، از مرگ عبور کند و در بدن یا مکان دیگری قرار نگیرد بلکه با مرگ بدن جسمانی به نیروانای نهایی و حالت پری‌نیروانا (یعنی جاودانه از بی‌مرگی) راه یابد. (حاجی‌ابراهیم، ۱۳۸۴، ص. ۶۹-۶۷)

### ۳. نجات یهودی

پس از شکل‌گیری قوم بنی‌اسرائیل و مهاجرتشان به سرزمین مصر و به دنبال چند قرن زندگی آزادانه در آن سرزمین، نوبت به نبوت موسی می‌رسد.

ولادت موسی با پادشاهی رامسس دوم توأم می‌شود، پادشاهی که بر بنی‌اسرائیل بسیار سخت گرفته و آنان را به اسارت و بندگی در می‌آورد. (ناس، ۱۳۷۵، ص. ۴۹۱-۴۹۰)

رسالت نجات بنی‌اسرائیل از یوغ بردگی و اسارت مصریان، یعنی خروج از سرزمین مصر و حرکت به سمت سرزمین کنعان به عهده موسی گذاشته می‌شود. موسی بنی‌اسرائیل را از مصر خارج کرده، به سمت کنعان حرکت می‌دهد.

در سراسر تورات «نجات» امری این‌جهانی (ورود به سرزمین موعود) و مشروط به اطاعت قوم از خدا تصویر شده است. امری که به علت نافرمانی‌های مکرر قوم موسی در زمان حیات وی محقق نشد بلکه پس از وی و با تأسیس کشوری یهودی تا ۱۳۰۰ سال جامه عمل پوشانده می‌شود. (اردستانی، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۶)

تورات شرط خوشبختی و سعادت را پرستش خدای یگانه و اطاعت از او معرفی کرده و زندگی طولانی و پربرکت به همراه خشنودی خدا را سعادت وعده داده شده، در نظر گرفته است. (سفر تثنیه، ۲۸:۵-۲۵:۶)

خداوند در «ده فرمان» خواستار اطاعت قوم از فرامین الهی است و ایشان را در صورت عمل به دستورات الهی وعده رحمت تا هزار نسل، و در صورت نافرمانی وعید مجازات تا نسل سوم و چهارم را می‌دهد. (سفر خروج، ۱:۲۰-۱۷)

بدین ترتیب نجات و عذاب در تورات، بدون هیچ صراحتی در خصوص نجات اخروی، هر دو امری این‌دنیایی مفروض گرفته می‌شوند، اما در قسمت‌های دیگر عهد قدیم مثل کتاب یوئیل نبی و کتاب جامعه در مورد زندگی اخروی و حساب و میزان بیاناتی ذکر شده است.

همچنین «انتظار مسیحا» آموزه دیگری است که عهد قدیم بدان اشاره می‌کند: وعده انبیا بر آمدن فردی از نسل داوود که بنی‌اسرائیل را نجات داده و حکومت داوود و سلیمان را بار دیگر احیا می‌کند. (اردستانی، ۱۳۸۲: ۸، ص. ۱۹۵) لذا یهودیان همچنان ظهور مسیحا را انتظار می‌کشند.

#### ۴. نجات تلمودی

تلمود (که شرح و تفسیر تورات مکتوب است) می‌گوید: انسان به صورت خدا آفریده شده و دارای دو بعد آسمانی و زمینی است. هر چند گناه آدم در سرنوشت آدمیان تأثیر می‌گذارد لکن انسان ذاتاً بی‌گناه است، معصوم و پاک متولد می‌شود و به اختیار خود نیکی یا بدی را بر می‌گزیند.

تلمود راه نجات انسان را ایمان و عمل صالح دانسته و در مورد حیات اخروی و داوری میان انسان‌ها در قیامت که در تورات ناگفته مانده بود سخن می‌راند. (اردستانی، ۱۳۸۲: ۸، ص. ۲۴۸-۲۴۴)

#### ۵. نجات مسیحی

شاید بتوان گفت «نجات» از محوری‌ترین آموزه‌های مسیحی است، این آموزه پیوند ناگسستنی با آموزه‌های «گناه اصلی»، «تجسد» و «فیض الهی» دارد.

الهیات رایج مسیحی بر اساس عهد جدید، معتقد است گناه آدم مرگ را به همراه آورد و طبیعت بشر را فاسد و تباه ساخت، به طوری که «میل به گناه» به بشر به ارث رسید. بدین ترتیب گناهی که موجب محکومیت بشر گردید «گناه اصلی» نامیده شد. اما محبت خدا، آدم ثانی یعنی «مسیح» را فرستاد و گناهان ما را کفاره کرد. خداوند پسر یگانه خویش را به شکل انسان مجسم کرد تا به صلیب رود، رنج بکشد و گناه آدم را کفاره دهد. لذا از این پس فیض خدا یعنی ایمان به مسیح بشر را نجات می‌دهد.

بدین ترتیب همان‌طور که یک گناه (گناه نخستین) طبیعت همه را فاسد کرد، یک عمل کاملاً نیک (مرگ مسیح) همه ایمان‌آوردگان را نجات داد. گناه آدم مرگ را در پی آورد و فیض خدا (مسیح) حیات جاودان را به بشر ارزانی داشت. (رومیان، ۸:۵-۲۱)

به عبارت دیگر انسان برای عبادت خدا آفریده شده و برخوردار از فیض تقدس بود اما پس از هبوط، پارسایی و پاکی خود را از دست داد و وارث گناه اصلی شد و از مقام فرزندگی خدا به مقام بندگی تنزل پیدا کرد. خداوند هم برای مدتی پیامبرانی می‌فرستد تا دستورات بندگی، یعنی شریعت را برای انسان بیاورند اما بازگشت به مقام نخست فقط با ظهور یک منجی میسر است. لذا عمل نجات‌بخش مسیح با تجسم او شروع می‌شود و با مرگ او انسان از گناه و نتایج آن آزاد می‌شود. مسیح قربانی می‌شود تا ما نجات یابیم و با پدر آشتی کنیم. (سلیمانی اردستانی، b:۱۳۸۲ ص. ۱۸۸ و مولند، ۱۳۶۸، ص. ۶۳)

در خصوص نجات و فیض الهی بحث‌های جدی در مسیحیت صورت گرفته است، لکن اساسی‌ترین این مناقشات مربوط به نزاع میان پلاجیوس<sup>۱۰</sup> و اگوستین قدیس است.

پلاجیوس که نگران معنویت رو به افول مردم روم شده بود، علت این ضعف را عقیده به جدایی‌ناپذیری شرارت از انسان دانسته و سعی می‌کند با آموزه «گناه‌آلود بودن انسان» مبارزه کند. به نظر وی هر کودکی با توانایی انتخاب راه درست متولد می‌شود و می‌تواند بدون گناه زندگی کند، بنابراین گناه آدم فقط به خودش آسیب رساند و نه به تمام نسل بشر. لذا انسان ذاتاً گناه‌آلود نیست و امکان زندگی بدون گناه دارد. انسان‌ها با اختیار و با تلاش خود می‌توانند اطاعت را برگزینند. فیض الهی برای نجات به انسان کمک می‌کند اما انسان باید با تلاش، خود را شایسته آن سازد. لذا تعمید ابزاری برای نجات نیست. کودکان آزاد از گناه متولد می‌شوند و تعمید آنان شکلی از تقدیس بالاتر است.

به نظر راست‌کیشی‌ها دیدگاه پلاجیوس در نهایت به انکار گناه اصلی، ضرورت تعمید کودکان و حتی انکار اثر تجسد و مرگ مسیح می‌انجامد.

---

۱۰. Pelagius

در مقابل دیدگاه پلاجیوس، اگوستین قدیس قرار داشت که از مخالفان سرسخت وی به شمار می‌رفت. اگوستین معتقد بود سرشت انسان پاک آفریده شد، اما با گناه آدم فاسد شد (یعنی گرایش به گناه پیدا کرد) و این گرایش به نسل آدم منتقل شد و آدمیان تنها به وسیله مسیح و نه با شایستگی خودشان، می‌توانند نجات یابند.

به نظر وی تعمید کودکان برای پاک کردن لکه گناه اصلی است و لذا برای رسیدن به نجات ضروری است. بنا بر این دیدگاه، نجات فقط از طریق فیض خدا در مسیح نصیب برگزیدگان می‌شود و اراده انسان در اثر سقوط آدم چنان فاسد شده که قادر به هیچ کاری در جهت نجات خود نیست. در واقع تعمید مسیحی انسان را کاملاً نجات می‌دهد و خارج از آن نجاتی متصور نیست. لذا مسیح منجی جهان است.

«پلاجیوسی‌گری»<sup>۱۱</sup> را بدعت نامیده‌اند و در مقابل، دیدگاه اگوستین، دیدگاه راست‌کیشی مطرح شده است.

پلاجیوس تکفیر شد و دیدگاهش به عنوان «بدعت» از سوی راست‌کیشی‌ها کنار گذاشته شد. لکن در مخالفت با افراط دیدگاه اگوستینی که تلاش فردی برای دستیابی به کمال را بی‌اثر می‌داند و «واگذاری همه چیز به خدا» را در مرکز مسیحیت قرار می‌دهد، مکتبی نیمه‌پلاجیوسی رشد کرد که ضمن انکار «سرشت پاک انسان» معتقد بود فیض و اراده انسان برای نجات با هم عمل می‌کنند.

اما کلیسا، هم با پلاجیوسی‌گری مخالفت کرد و هم با نیمه‌پلاجیوسی‌گری و ضمن محکوم کردن هر دو اذعان داشت که انسان چنان سرشت فاسدی را به ارث برده که بدون فیض الهی توانایی بازگشت به سوی خدا را ندارد.

لکن اکثر مسیحیان امروزی به مشارکت اراده انسانی و فیض الهی قائل هستند بنابراین بیشتر نیمه‌پلاجیوسی هستند تا اگوستینی. (ا. گریدی، ۱۳۷۷، ص. ۱۹۴-۱۸۰)